

## پیوند ادبیات و تاریخ در ایران

مهدی احمدی اختیار<sup>۱</sup>

عبدالرضا نقدی<sup>۲</sup>

### چکیده

ادبیات و تاریخ دو شاخه از علوم انسانی هستند که رابطه تنگاتنگی با یکدیگر داشته و دارند. چنان که ادبیات فارسی در بستر تاریخ شکل گرفته و تطور یافته، تاریخ ایران نیز در آینه ادبیات و شاخه‌ها و گرایش‌های مختلف آن منعکس گردیده است. بن مایه‌های اصلی ادیبان در حوزه‌های شعر، نثر، طنز و صنایع و بدایع ادبی غالباً در تاریخ و حوادث و رویدادهای تاریخی یافت می‌شود. براین اساس حوادث و حواشی تاریخی از محرکین اصلی ادیبان در خلق آثار ادبی به شمار می‌روند. از سوی دیگر مورخین نیز در تألیف و تدوین آثار خود، هیچگاه از بکارگیری ادبیات و ظرایف ادبی بی‌نیاز نبوده‌اند. به دلایل و انگیزه‌های مختلف آنان آثار تاریخی خود را در قالب‌های مختلف ادبی به رشته تحریر در می‌آوردند. خلاصه اینکه می‌توان گفت فهم و شناخت ادبیات فارسی مستلزم آشنایی با تاریخ ایران، و مطالعه و بازسازی تاریخ ایران نیز مستلزم آشنایی با ادبیات فارسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، تاریخ، ادیب، مورخ.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان Mae.ah1392@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی Rezanaghdiy93@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۱

## مقدمه

با نگاهی به علوم مختلف و ارتباط بین آنها، می‌توان ادعا نمود که پیوند بین تاریخ و ادبیات، پیوندی منحصر به فرد و ناگسستنی می‌باشد. چرا که هیچکدام از علوم به مانند تاریخ و ادبیات سرنوشت نزدیک و مشترکی نداشته‌اند. لاقلاً در سرزمین ایران نمی‌توان بین تاریخ و ادبیات مرز روشنی قایل شد. چنانکه ادبیات فارسی در بستر جریان تاریخ ایران شکل گرفته و تکامل یافته است. بازسازی کامل تاریخ ایران هم بدون بهره‌گیری از ادبیات و آثار ادبی مشکل و تاحدودی غیر ممکن می‌نماید. در تمامی طول تاریخ ایران، ادبیات ابزاری برای بیان رویدادهای تاریخی بوده است. زمانی حاکمان برای تبلیغ خواسته‌ها و تثبیت موقعیت خود از آن بهره می‌بردند. گاهی هم مردم به مثابه سلاحی جهت مبارزه با ستم حاکمان و بیگانگان بدان متوسل می‌شدند. بعلاوه یکی از مهم‌ترین عناصری که فرهنگ و هویت ایرانی را در پس تهاجمات بی‌شمار اقوام بیگانه حفظ و حراست نمود، ادبیات فارسی بود. در واقع ادبیات فارسی به مانند آینه‌ای است که می‌توان زندگی اجتماعی ایرانیان و فراز و نشیب‌اش را در آن ملاحظه نمود.

خلاصه اینکه تاریخ و ادبیات ایران آن چنان به هم تنیده است که نمی‌توان خط روشنی بین آن دو ترسیم کرد و مرزهای بین این دو علم را از هم متمایز نمود. برخی از آثار تاریخی ایران به مانند تاریخ بیهقی و جهانگشای جوینی آن چنان ارزش ادبی دارند که به راحتی می‌توان آنان را در میان متون شاخص ادبی ایران جای داد. از سوی دیگر برخی از آثار ادبی ایران هم ارزش تاریخی زیادی دارند و در روشن شدن زوایای تاریک تاریخ ایران گره گشا می‌باشند. نوشتار حاضر بر آن است تا روابط دو سویه و تعامل نزدیک تاریخ و ادبیات ایران را با استناد به آثار شاخص ادبی و تاریخی به تصویر بکشد.



## ادبیات در آینه تاریخ

### ۱. متون تاریخی

اغلب کسانی که در گذشته به نوشتن تاریخ مبادرت می‌ورزیدند، از نویسندگان و ادیبان شاخص زمان خود بودند و از منشیان و نویسندگان دربار و پادشاه به حساب می‌آمدند. و لازمه این کار آشنایی با فنون و صنایع ادبی بود. طبیعی بود که این قبیل نویسندگان به هنگام نوشتن تاریخ، ذوق و هنر ادبی خود را نیز به نمایش می‌گذاشتند، و به عبارت دیگر تاریخ را ادیبانه می‌نوشتند. بنابراین نوشته‌های این گروه از مورخان، گذشته از ارزش تاریخی شان، دارای ارزش ادبی ممتازی نیز می‌باشند. حتی برخی از این آثار تاریخی، نماینده شاخص سبک‌های ادبی خود به شمار می‌روند. و به خوبی ویژگی‌ها و تطور ادبیات در دوره‌های مختلف را در خود منعکس می‌سازند. کتابهایی چون ترجمه تاریخ طبری از ابوعلی بلعمی، تاریخ بیهقی از ابوالفضل بیهقی، تاریخ جهانگشای جوینی از عطاملک جوینی، تاریخ عالم آرای عباسی از اسکندر بیگ منشی و دره نادری از میرزا مهدی خان استرآبادی، تنها نمونه‌هایی از متون تاریخی - ادبی به شمار می‌روند که در این میان به تاریخ بیهقی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد ادبی اش بطور مختصر پرداخته می‌شود.

ابوالفضل بیهقی پر آوازه‌ترین تاریخ نگار سده پنجم هجری است که در سال ۴۵۱ ق نگارش تاریخ خود را آغاز کرد. بیهقی جهت نوشتن اثر خود از یادداشت‌ها، اسناد، فرمان‌ها، و نامه‌های دیوانی که طی ۴۲ سال فراهم آورده بود، بهره جست و تاریخی نگاشت که از نظر اعتبار، معتبرترین و به لحاظ شیوایی، شیواترین و جاندارترین شرح روزگار حکومت غزنویان بر بخش‌هایی از ایران به شمار می‌رود. (میرجعفری و عاشوری نژاد، ۱۳۷۶: ۷۰) تاریخ بیهقی از نظر دقت و صحت مطالب تاریخی، استحکام و انسجام ساختار، اثری بی‌مانند می‌باشد. ارزش تاریخی این



کتاب توسط اندیشمندان و مورخان همواره مورد تاکید قرار گرفته است. زرین کوب تاریخ بیهقی را به دلیل اشراف و وقوف مولف آن بر اسناد و مدارک تاریخی و همچنین آگاهی از دسایس و حوادث پنهانی و اغراض و مقاصد دربار غزنه، و لطف بیان و التزام صدق و اشمال بر بسیاری فواید اجتماعی و اداری مخصوصاً درج بعضی مکاتبات با خلیفه، ستایش می‌کند. وی این کتاب را «در بین تواریخ فارسی مشخص و ممتاز» می‌داند. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۶) بارتولد، خاورشناس بنام روسی که خود از بهترین‌آشنایان کتاب بیهقی بوده و بیش از هر کسی از آن استفاده کرده معتقد است که این کتاب بقدر شایستگی خود در محافل علمی دنیا شهرت نیافته و خاورشناسان از فواید آن دور مانده‌اند. (بارتولد، نقل از مقدمه تاریخ بیهقی) اما بیش از این در این مقوله سخن نمی‌گوییم و بحث را با گفتاری از خود بیهقی خاتمه می‌دهیم، چرا که پرداختن به ویژگی‌های تاریخی این کتاب ارزشمند، خود موضوع مقالات مفصلی می‌باشد. بیهقی در رابطه با کار سترگ خویش چنین می‌گوید:

«اما غرض من آن است که تاریخ پایه بنویسم و بنائی بزرگ

افراشته گردانم، چنانکه ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند.»

(بیهقی، ۱۳۲۴: ۹۶)

همچنین در جابجای کتابش به مخاطب یادآور می‌شود که چه بهره‌ای از تاریخ می‌توان گرفت و قواعد و رسوم تاریخ‌نگاری را تذکر می‌دهد. (همان، ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۵۱۷ و ۶۶۷)

گذشته از ارزش تاریخی، تاریخ بیهقی یکی از شاهکارهای ادبی نثر فارسی نیز به شمار می‌رود. از نظر کلمات و عبارات و تعبیرات و هنر نویسندگی از کتب مهم ادب فارسی محسوب می‌شود، و وصف‌ها و نکته‌سنجی‌ها و موشکافی‌های با ارج

بسیار در آن می‌توان یافت. و در میان ادبیات دیوانی اثری پر بهاست. (بیهقی، ۱۳۴۸: سرآغاز مصحح) به حکم مندرجات متن این کتاب، بیهقی بدون تردید در زبان فارسی استاد بلاغت است، و سبک سخن و شیوه نویسندگی او در کمتر کتاب فارسی آن زمان یافت می‌شود. (بیات، ۱۳۷۷: ۱۴۲) هنر بیهقی اوج بلاغت طبیعی فارسی و بهترین نمونه هنر انشائی پیشینیان است که زیبایی را در سادگی می‌جسته و از تماس با طبیعت زبانی مانند طبیعت گرم و زنده و ساده و باشکوه داشته اند. در کتاب بیهقی نمونه های مختلفی از انشا هست و قطعه‌هایی دارد که از حیث بلاغت سند لیاقت زبان فارسی محسوب می‌شود. (بیهقی، ۱۳۲۴: مقدمه مصحح) ملک الشعرا بهار سبک ادبی تاریخ بیهقی را نمونه کامل و بارز نثر در قرن پنجم دانسته و می‌گوید: «این سبک حقیقی ترین سبک نثر است که از قید ترجمه بیرون آمده و قدری نمک شعری هم در آن پاشیده شده است». (بهار، ۱۳۷۰: ۶۸/۲-۶۹)

هنر بیهقی در استفاده از مواد و مطالب، برای سخن آفرینی و قدرت انشاء و نیروی توصیف بی‌مانند است. هنر نویسندگی او را در وصف‌هایش از رخدادها و جریان های تاریخی، مناظر، حوادث افعال، حرکات و اشخاص است. بیهقی معانی و مفاهیم را به کمک الفاظ مناسب به طور کامل و دور از نقص به ذهن خواننده منتقل می‌کند. به طوری که افکار و مسموعات و مشهودات به مانند نقش پرده سینما به تمامی در ذهن مخاطب جای می‌گیرد. بیهقی هم در توصیف و هم در انتقال دادن آن به ذهن مخاطب به کمک واژگان رسا و متناسب، استاد است و مهارت کامل دارد. عبارات کوتاه و لغات تراش خورده، با معانی دقیق و تعابیر جاندار و اصطلاحات شایع و سایر و همه کس آشنا، نوشته او را گذشته از جنبه تاریخی نمونه خوب نثر فارسی ساخته است. انشایی دارد که می‌تواند گذشته محو شده را پیش چشم آیندگان



مجسم و محسوس سازد. خلاصه اینکه «نوشته بیهقی خود همه هنر است». (بیهقی، ۱۳۴۸: سرآغاز مصحح)

به جهت آشنایی با توصیف‌های بی مانند و جاندار بیهقی از مناظر و وقایع تاریخی، چند سطر از داستان بردار کردن حسنک را به عنوان شاهد ذکر می‌شود: «حسنک پیدا آمد بی بند، جبه داشت حبری رنگ با سیاه میزد، خلق گونه، و دراعه و ردائی سخت پاکیزه و دستاری نشابوری مالیده و موزه میکائیلی نو در پای و موی سر مالیده زیر دستار پوشیده کرده اندک مایه پیدا میبود». و در ادامه در جایی که حسنک را چای چوبه دار می‌برند می‌نویسد:

«و حسنک را پپای دار آوردند نعوذبالله من قضاء السوء، و پیکان را ایستانیده بودند که از بغداد آمده‌اند، و قرآن خوانان قرآن می‌خواندند. حسنک را فرمودند که جامه بیرون کش، وی دست اندر زیر کرد و ازاربند استوار کرد و پایچه‌های ازار را بیست جبه و پیراهن بکشید و دور انداخت با دستار، و برهنه با ازار بایستاد و دستها در هم زده، تنی چون سیم سفید و رویی چون صد هزار نگار، و همه خلق به درد می‌گریستند». (بیهقی، ۱۳۲۴: ۱۸۴ و ۱۸۶)

با این تعبیر می‌توان تاریخ بیهقی را از نظر ادبی یکی از برجسته‌ترین و زیباترین متون فارسی به شمار آورد و از نظر تاریخی، آن را یکی از معتبرترین متون تاریخی و نمونه طراز اول تاریخ نگاری ایرانی قلمداد نمود. بی تردید در زبان فارسی و در تاریخ نگاری ایرانی هیچ متنی را نمی‌توان یافت که میزان گره خوردگی صبغه ادبی و وجهه تاریخی آن در یکدیگر بدین پایه و میزان باشد. بر همین اساس می‌توان تاریخ و ادبیات را دو روی سکه‌ای دانست که بیهقی آن را ضرب کرده است.

## ۲. تاریخ‌های منظوم

برخی از مورخان رویدادهای تاریخی را در قالب شعر بیان می‌کردند. این گروه از مورخان به دلایل و انگیزه‌های متفاوت قالب شعر را جهت نوشتن تاریخ بر می‌گزیدند. در این میان ذوق و استعداد شاعری، انگیزه کسب ثروت، و تشویق امرا و پادشاهان از دلایل عمده این امر بود. از سویی این مورخان شاعر اعتقاد داشتند که انتخاب شعر برای تاریخ، می‌تواند مخاطبان بیشتری را جذب کند و ماندگاری و انتقال آن به نسل‌های بعدی، بهتر و بیشتر و راحت‌تر صورت می‌پذیرد. منظومه‌های تاریخی و حماسی در ایران نمونه‌های فراوانی دارد. خصوصاً ایرانیان علاقه مند به تاریخ و تمدن و فرهنگ پارسی، این سبک را جهت حفظ و انتقال تاریخ ایران زمین و هویت ملی خود برگزیدند. منظومه‌هایی مانند شاهنامه فردوسی، دفتر دلگشا از صاحب، ظفرنامه حمدالله مستوفی، تیمورنامه عبدالله هاتفی جامی، شاهنامه اسمعیل و شاهنامه شاه طهماسب هر دو از محمد قاسم گنابادی، شاهنامه نادری از علی طوسی، و شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا نمونه‌هایی از تواریخ منظوم به شمار می‌روند.

هر کدام از این آثار نه تنها در حفظ و انتقال تاریخ و فرهنگ ایران سهم بسزایی داشته‌اند و بازسازی بخش بزرگی از تاریخ ایران مدیون آن‌ها است، بلکه از شاخصه‌های مهم زبان و ادبیات فارسی نیز به شمار می‌روند. در این میان بدون شک شاهنامه فردوسی بزرگترین منظومه اسطوره‌ای و تاریخی ایران، و یکی از شاهکارهای ادبی ایران و جهان می‌باشد.<sup>۲</sup> شاهنامه فردوسی بر اثر نفوذ شدیدی که در میان طبقات مختلف ایران یافت، در تمامی ادوار تاریخی بعد از خود مورد توجه بود و اهمیت مقام ادبی آن باعث شد که بسیاری از شاعران به تقلید از آن به ساختن منظومه‌هایی همت بگمارند. علاوه بر این شاهنامه فردوسی در ادبیات دیگر



کشورهای جهان نیز به سرعت موثر گشت و آثاری به تقلید از آن بر جای ماند. قدیمی ترین ترجمه شاهنامه در دمشق به دستور ابوبکر بن ایوب در سال ۶۲۴ ق توسط قوام الدین اصفهانی به زبان عربی صورت گرفت. ترجمه منظومی هم به ترکی در سال ۹۱۶ ق به دست علی افندی در دست است. همچنین تمام یا قسمت‌هایی از شاهنامه به زبان های ارمنی، گرجی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اسپانیولی، ایتالیایی، دانمارکی، لاتینی، لهستانی، مجارستانی و سوئدی انجام گرفته است. (صفا، ۱۳۴۲: ۴۹۳/۱)

زبان و اسلوب بیان فردوسی در بیان افکار، نقل معانی از نثر به نظم، رعایت سادگی زبان و فکر، صراحت و روشنی سخن، انسجام و متانت کلام، به درجه‌ای از قدرت و مهارت است که سخن او همواره در میان استادان نمونه اعلاّی فصاحت و بلاغت به شمار می‌رود. (همان، ۴۹۵) اهمیت کار فردوسی در ادبیات فارسی تا بدان جاست که اغلب سخن سرایان و بزرگان ادب پارسی همواره او را مورد تحسین قرار داده و اثرش را منحصر به فرد قلمداد نموده‌اند. نظامی عروضی از بزرگان شعر و ادب ایران در این باره می‌گوید فردوسی «الحق هیچ باقی نگذاشت و سخن را به آسمان علیین برد و در عذوبت بماء معین رسانید [...] من در عجم سخنی باین فصاحت نمی بینم و در بسیاری از سخن عرب هم». (نظامی به نقل از صفا، ۴۹۵)

### ۳. آداب الملوک‌ها و اندرزنامه‌ها

آداب الملوک‌ها یا سیا ست نامه‌ها، نوشته‌هایی هستند که برخی از اندیشمندان و بزرگان علم و ادب و سیاست جهت نشان دادن راه و رسم درست فرمانروایی برای حاکمان زمان خود می‌نگاشتند. هر چند این منابع نام تاریخ ندارند، ولی از نظر محتوایی برای نوشتن تاریخ اهمیت بسیار دارند. آداب الملوک‌ها جهت آگاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره‌ای که در آن تدوین شده‌اند حایز اهمیت می‌باشند.



جهت آشنایی با وضع حکومت، سازمان اداری، طبقات اجتماعی، اندیشه‌های سیاسی و مبانی فکری و دیدگاه‌های حاکم بر دوره‌های مختلف تاریخی از عمده ترین و معتبرترین منابع تاریخی به شمار می‌روند. این منابع به خوبی میزان اقتدار حاکم، منبع و میزان مشروعیت آن، و رفتار و توقعات حکومت از مردم را نشان می‌دهند و همچنین حقوق مردم و وظایف حکومت در قبال آنان را یادآور می‌شوند. از مهمترین آثاری که در این زمینه نگاشته شده‌اند، می‌توان سیرالملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی، قابوسنامه عنصرالمعالی، نصیحه الملوک غزالی، آداب الحرب و الشجاعه از محمدبن منصور مبارکشاه و تاریخ نگارستان قاضی احمد قزوینی را نام برد. در این میان به عنوان مثال قابو سنامه گنجینه‌ای از اطلاعات سودمند در باب احوال اجتماعی و وضع زندگی طبقات مختلف مردم در عهد تألیف کتاب است و سیاست نامه منعی معتبر برای تحقیق در احوال اداری اوایل دوره سلاجقه و متضمن بیان وظایف مختلف دبیران و عمال لشکریان آن دوره می‌باشد. آداب الملوک‌ها گذشته از ارزش تاریخی شان، دارای ارزش ادبی ممتازی نیز می‌باشند. چرا که نویسندگان این آثار کتاب خود را برای سلاطین مینوشتند، به همین جهت در کار خود از حکایت‌های لطیف و دلنشین ادبی با نثری زیبا و روان استفاده می‌کردند تا مطالب کتاب خسته کننده نباشد و همچنین تأثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد. در این میان دو کتاب سیاست نامه و قابوسنامه از دیدگاه زبان و ادب پارسی ارزش و اهمیت والایی دارند.

سیاست نامه یا سیرالملوک یکی از آثار زیبای فارسی است که مخاطب اگر هم به سبک متون کهن آشنایی نداشته باشد به آسانی مفهوم مطالب را در می‌یابد و تعبیرات دشوار به ندرت در آن یافت می‌شود. شعار در این ارتباط می‌افزاید: «نثر کتاب زیبا، روان، ساده، دلکش و خالی از تکلف و پیچیدگی و نزدیک به زبان



محاوره زمان خود است. واژه‌ها و ترکیبات نیکو در آن فراوان است. نثر کتاب از فنون فصاحت و بلاغت بهره مند است، و گاه در جای جای کتاب به عباراتی بر می‌خوریم که در ایجاز، کم نظیر است». (شعار، ۱۳۷۹: ۱۰) از قبیل «برفتم و این معنی با وی نرمک بگفتم. قبول کرد. خرم شدم». (نقل از همان) سبک کتاب سیاست نامه ترکیبی از تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی است. از حیث روانی و سهولت عبارت و ایجاز شبیه به نثر بلعمی است و از حیث لغات و اصطلاحات تازه، داشتن کنایات و استعارات، مجسم ساختن مطالب، بحث در جزئیات و روشن‌گری اطراف و جوانب هر موضوع، به تاریخ بیهقی شبیه است. و گاهی «ایجازهایی لطیف بکار برده است که مایه اعجاب مترسلان و دانشمندان قرار می‌گیرد». (بهار، ج ۲، ۱۳۷۰: ۹۶)

قابوس نامه در زبان و ادبیات پارسی اثری است گرانبها، چرا که سرشار از واژه‌ها و ترکیبات و تعبیرات زیبای فارسی حدود هزار سال پیش است. همچنین گنجینه‌ای از مثل‌های رایج روزگار خود و سایر دوره‌ها است. نثر قابوس نامه از تکلفات منشیانه همچون بکاربردن واژه‌های سنگین و غیر ضرور تازی، آوردن سجع و صنایع و جمله‌ها و لفظ‌های مترادف بر کنار است. (شعار و روان پور، ۱۳۷۲: ۱۰۶-۱۰۷)

در رابطه با ارزش تاریخی و ادبی قابوس‌نامه، ملک الشعرا ی بهار این چنین می‌نویسد: «علاوه بر فواید عظیمی که از حیث شناسایی تمدن قدیم و معیشت ملی و علم زندگی و دستور حیا در کتاب مذکور مندرج است، باید او را مجموعه تمدن اسلامی پیش از مغول نامید، و همچنین سرمشق بزرگی است از بهترین انشاء و زیباترین نثر فارسی و بجزئت می‌توان «قابوس‌نامه» را در صف نخستین از طراز اول نثر سلس و کامل و زیبا و مطبوع فارسی گذاشت». (بهار، ۱۳۷۰: ۱۱۴) نکته قابل ذکر در باب سیاست نامه و قابوس‌نامه این است که سیاست‌نامه را باید متنی تاریخی - ادبی قلمداد نمود، در مقابل قابوس‌نامه را متنی ادبی - تاریخی به شمار آورد.

## ب) تاریخ در آینه ادبیات

منابعی که با هدف تاریخ نگاری شکل گرفته‌اند، غالباً توسط مورخانی که در خدمت سلاطین حکام و امرا بودند، به رشته تحریر درآمده‌اند. لذا این دسته از منابع بیشتر به وقایع سیاسی و نظامی می‌پردازند. این گروه از مورخان به زندگی توده‌های مردم توجه چندانی نداشته، و در رابطه با تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران، مطالب زیادی را در لابلای این متون نمی‌توان مشاهده نمود. از این رو جهت بازسازی تاریخ اجتماعی ایران باید سراغ منابعی رفت که به قصد تاریخ نگاری نوشته نشده‌اند. مهم‌ترین نمونه این قبیل از منابع، آثار ادبی می‌باشند که همچون آینه‌ای زندگی اجتماعی زمان خود را منعکس نموده‌اند. اشعار، حماسه‌ها، قصه‌ها، تصنیف‌ها، طنزها، حکایات، ضرب‌المثل‌ها، منشیات از جمله آثار ادبی به شمار می‌روند که در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی از اهمیت بسزایی برخوردارند.

### ۱. دیوان شعر شاعران و تاریخ

یکی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده مورخان در تدوین و بازسازی رویدادهای تاریخی اشعار شاعران می‌باشد. تقریباً در تمامی انواع شعر، می‌توان مطالبی راجع به تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران یافت. شاعران در انواع قالب‌های شعر فارسی به خصوص قصیده و قطعه از وضع زمانه خود سخن گفته‌اند. قصیده‌های سبک خراسانی از قرن پنجم به بعد، تنها در مدح سلاطین و پادشاهان نبود. در میان انبوه قصاید مدحیهی سبک خراسانی، قصایدی وجود دارد که بهترین سند در شرح اوضاع اجتماعی روزگار است.

در رابطه با تاخت و تاز صحرا نشینان در شهرهای خراسان و آشفتگی وضع مردم گویاترین توصیف را در قصیده انوری ابیوردی می‌وان مشاهده نمود که در تاریخ



ادبیات فارسی با عنوان «نامه اهل خراسان» مشهور شده است. در بخشی از این قصیده آمده است:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر / نامه اهل خراسان به بر خاقان بر

نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان / نامه‌ای مقطع آن رنج تن و سوز جگر

نامه‌ای بر رقمش آه غریبان پیدا / نامه‌ای در شکنش خون شهیدان مضمهر

خبرت هست کزین زیر و زبر شوم غزان / نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر وزبر؟

خبرت هست که از هر چه درو خیری بود / در همه ایران امروز نماندست اثر؟

بر بزرگان زمانه شده خردان سالار / بر کریمان جهان گشته لثیمان مهتر

(دیوان انوری، ۱۰۵-۱۰۶)

عبید زاکانی تأثر خود را از پریشانی اوضاع و احوال و آشفتگی روزگار و جنگ‌های خانگی جلایریان و مظفریان و سایر فتنه‌ها و آشوب‌هایی که در آن روزگار مردم بی گناه ایران را به ستوه آورده بود، چنین بیان کرده است:

در وضع روزگار نظر کن به چشم عقل / احوال کس مپرس که جای سوال نیست

در موج فتنه‌ای که خلاقیت فساداند / فریاد رس بجز کرم ذوالجلال نیست

جانم فدای خاطر صاحب‌دلی که گفت / «شیراز جای مردم صاحب کمال نیست»

(زاکانی، ۱۳۲۱: ۱۰۰)

شاید هیچ نوشته تاریخی نتواند وضع اجتماعی ایران را به خوبی این چند بیت شعر عبید زاکانی بیان کند. برخی از فرقه‌ها و نهضت‌های سیاسی ایران اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی کلامی خود را بیشتر در قالب شعر بیان می‌داشتند. نهضت‌هایی چون شعوبیه از شعر به عنوان مهم‌ترین ابزار بیان اندیشه‌های خود بهره می‌بردند. و درک ماهیت این نهضت جز از طریق مطالعه اشعار شاعران آن ممکن نیست. از مشهورترین شاعران شعوبیه افرادی مانند علان شعوبی، خریمی و بشاربن برد طخارستانی را می‌توان نام برد. (صفا، ۱۳۴۲: ۲۷/۱) آرا و اندیشه‌های اسماعیلیان را می‌توان با بررسی شعر شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی و یا نزاری قهستانی مطالعه کرد. برخی فرقه‌ها چون حروفیه، نوربخشیه، نقشبندیه و نقطویه اغلب آثار خود را به صورت شعر به یادگار گذاشته‌اند. آنان از شعر برای بیان اعتقادات خود استفاده می‌کردند. به عنوان مثال عمادالدین نسیمی، معروف‌ترین و شجاع‌ترین خلیفه فضل‌الله استرآبادی - بنیانگذار فرقه حروفیه - شاعر بود. عمادالدین تمام افکار و عقاید خویش را طی اشعار شورانگیزی به یادگار گذاشته است. (میرجعفری، ۱۳۷۵: ۲۰۴) وی بعد از قتل فضل، آرا و عقاید حروفیه را در قالب شعر برای پیروان حروفیه و سایر مردم بیان می‌کرد.

با این که قالب غزل در بیشتر دوره‌های شعر فارسی برای بیان احساسات شاعر مورد استفاده قرار می‌گرفته و کاملاً شخصی بوده است، در برخی دوره‌ها از مفاهیم سیاسی و اجتماعی خالی نیست. به عنوان نمونه، غزلیات حافظ آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی و فرهنگی شیراز در دوران حکومت آل اینجو و آل مظفر می‌باشد. همچنین اوضاع آشفته و نابسامان حاصل از درگیری و کشمکش امرای محلی و سلسله‌های کوچک و بزرگ دوران فترت در اشعار حافظ به خوبی منعکس شده





است. حافظ زمانی که از ظهور تیمور در ماوراءالنهر مطلع می شود، آرزو می کند که تیمور به ایران بیاید تا شاید به آن همه هرج و مرج و درگیری های داخلی پایان دهد: زیرکی را گفتم این احوال بین خندید و گفت صعب روزی بوالعجب کاری پریشان عالمی سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چو گل شاه ترکان فارغ است از حال ما کو رستمی آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر نباید ساخت و از نو آدمی خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی سینه مالمال درد است ای دریغا مرهمی دل زتنهایی به جان آمد خدا را همدمی

(حافظ، ۱۳۷۹: ۳۶۶)

## ۲. طنز و هجو و هزل

استبداد سیاسی در برهه هایی از تاریخ، نویسندگان و مورخان را از بیان واقعی و درست او ضاع سیاسی و اجتماعی باز می داشت. از سوی دیگر برخی از دوره های تاریخ ایران، به مانند دوران فترت پس از فروپاشی حکومت ایلخانان، آن چنان مملو از کشتار و هرج و مرج و ناامنی ناشی از درگیری حکومت های متعدد محلی است که ناامیدی و دلمردگی بر فکر و جسم و روح مردم چنگ انداخته بود. در چنین شرایطی بود که نویسندگان به طنز پناه می بردند و تلاش می کردند اوضاع اجتماعی و سیاسی خود را به نحوی بیان کنند که هم جان خود را حفظ نمایند و هم با نشاندن لبخندی بر لبان توده های مردم، مرهمی بر زخم آنان نهاده باشند.

پیشینه طنز در تاریخ ادب فارسی را در نخستین سال های دوره اسلامی می توان مشاهده کرد. قدیمی ترین نمونه های طنز و هجو در شعر دری ارتباط تنگاتنگی با

وقایع تاریخی دارند. از نمونه‌های بارز این اشعار، سروده‌های مردم بخارا در ضد عشق بازی‌های «سعید بن عثمان» سردار تازی و خاتون بخارا است. (زرین کوب، ۱۳۵۱: ۱۴۲) یا هجویه «یزید بن مفرغ» - شاعر یمنی - در هجو عبیدالله بن زیاد بن ابیه و مادرش سمیه، که شرح آن در تاریخ سیستان آمده است:

آب است و نیبذ است      عصارات زبیب است      سمیه روسپید است.

(تاریخ سیستان، ۱۳۵۲: ۹۵)

در روزگار حکومت غزنویان، به جهت ظلم و بیدادگری‌های فرمانروایان آن، بازار طنز و هجو رونق گرفت. در لطائف الطوائف آمده است: «زن طلخک فرزندی زاید. سلطان محمود از او پرسید که چه زاده است. گفت: از درویشان چه زاید جز پسری یا دختری؟ گفت مگر از بزرگان چه زاید؟ گفت: بدکاری، ناسازی، ظالمی، خانه براندازی». (مینوی، ۱۳۵۸: ۱۳۶) در دوران سلجوقی نیز به علل فراوان از جمله نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی، ناخشنودی اندیشمندان از روزگار و اجتماع، ناتوانی حکام در شناخت سره از ناسره در عرصه ادب و فرهنگ، بازار هجو و هزل هم پای مدح و ثنا رونق گرفت.

اما قرن هشتم در تاریخ ایران از لحاظ ناامنی اجتماعی و بی ثباتی سیاسی یکی از دوره‌های کم نظیر ایران می‌باشد. در چنین شرایطی بود که در این قرن طنز فارسی به اوج خود رسید. عبید زاکانی نخستین کسی است که آثار مستقل طنز را در ادبیات فارسی پدید آورده است. مهم‌ترین اثر او، رساله اخلاق الاشراف نقد هنرمندانه و دقیقی بر اخلاقیات حاکم بر روزگار اوست. آثار طنزآمیز دیگر او نیز چون رساله تعریفات، ریش نامه، صدپند، رساله دلگشا، که مجموعه‌ای از لطایف کوتاه به فارسی و عربی است در زمینه شناخت تاریخ روزگار او، از جمله منابع مهم است. چون عمده انتقادات عبید متوجه طبقات حاکم جامعه است، و نمی‌توانست فساد اخلاقی



و تباهی و دزدی و رشوه و تجاوز این طبقه را آشکارا و با بیان جدی بیان کند، ناچار به هزل و طنز پناه می‌برد. در قرن هشتم، حافظ به مانند جایگاه شعری‌اش در طنز آفرینی نیز جایگاه رفیعی دارد. حافظ با درک درست اوضاع و شرایط اجتماعی روزگار، روشنفکرانه ترین واکنش را در برابر فسادها و اغراق‌های رایج، داشته است. قلمرو طنز حافظ را در سراسر دیوان او، بی هیچ استثنایی رفتار مذهبی ریاکاران عصر تشکیل می‌دهد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۱۱) عبید و حافظ طنز را زمینه‌ای برای بیان رندانه آلام بشری و زهر خندی بر مسایل اجتماعی قرار دادند که آثار آنها از نمونه‌های درخشان طنز در ادبیات فارسی به شمار می‌آید.

اما طنز و طنز پردازان در انقلاب مشروطه ایران جایگاه ویژه‌ای دارند. در واقع مورخین جهت شناخت زمینه‌ها و علل و پیامدهای انقلاب مشروطه به طور جدی باید به طنز و طنز پردازان این دوره توجه نمایند. رخداد مشروطه نقطه عطفی در تاریخ طنز و انتقاد ایران است که آن را هم از نظر ساختار و هم محتوا با تحولی بنیانی مواجه کرد. طنز این دوران، متناسب با حرکت تجدطلبی، کارکرد اجتماعی و سیاسی یافت و رسانه‌ای شد و همگام با ایجاد تحولات سیاسی و فکری در جامعه، از نظر صورت و محتوا، دچار دگرگونی گشت. عواملی مانند گسترش صنعت چاپ و روزنامه نگاری از یک سو و بیداری توده‌ها و وقوع انقلاب، طنز انقلاب مشروطه را از لحاظ کمی و کیفی ارتقا داد و مضمون اجتماعی و سیاسی عمیقی بدان بخشید. چهره‌های بارز طنز مشروطه افرادی مانند ادیب الممالک، سید اشرف الدین، ایرج میرزا، عارف قزوینی، علی اکبر دهخدا، محمدتقی بهار، ابوالقاسم لاهوتی، فرخی یزدی و میرزاده عشقی می‌باشند. اغلب این افراد از مبارزان و فعالان بزرگ سیاسی عصر مشروطه به شمار می‌روند. جهت آشنایی با شعر و طنز و افکار این شاعران آزادیخواه چند بیت از اشعار غرخی یزدی و میرزاده عشقی را که اتفاقاً هر دو جان



خود را در این راه نثار کردند، ذکر می‌کنیم. فرخی در جواب ابلاغیه حکومت نظامی سردار سپه که از این به بعد اگر مقالاتی بر خلاف حکومت نوشته شود؛ قلم‌ها را می‌شکنم و زبان‌ها را می‌برم اعتراض کرده و این رباعی را در جواب رضاخان گفته: از یک طرف مجلس ما شیک و قشنگ از یک طرف عرصه به ملیون تنگ قانون و حکومت نظامی و فشار این است حکومت شتر و گاو و پلنگ

(فرخی، ۱۳۶۹: ۲۱۷)

میرزاده عشقی در یکی از اشعار خود در رابطه با وثوق الدوله و قرارداد ۱۹۱۹م این چنین می‌گوید:

ای وثوق الدوله، ایران ملک با بایت نبود اجرت المثل متاع، بچگی‌هایت نبود  
ماشاءالله<sup>۳</sup> بود یک دزد، این هزار اندر هزار یک شتر برده است آن و این قطار اندر قطار

(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۱۰)

### ۳. منشآت و مکاتبات

منشآت و مکاتبات از جمله آثاری هستند که به سختی می‌توان در رابطه با این که این آثار جزء متون ادبی هستند یا تاریخی، قضاوت نمود. از آن جهت که منشآت معمولاً به نثری ادیبانه نوشته می‌شد و منشیان و نویسندگان توانایی ادبی خود را در این قبیل نوشته‌ها به نمایش می‌گذاشتند، متون ادبی به شمار می‌روند. از سوی دیگر اغلب منشآت و مکاتبات از نظر مضمون و محتوا، کاملاً در حوزه تاریخ قرار می‌گیرد و تا حدودی جزء اسناد تاریخی به حساب می‌آیند. منشآت نمونه کامل نثر و سبک نویسندگی زمان خود به شمار می‌روند. (بهار، ۱۳۷۰: ۲)





باید اذعان نمود که در این قبیل نوشته ها تنها انتقال خبر تاریخی مد نظر نبوده است. قریب به اتفاق پدید آورندگان این آثار هم از ادیبان و شاعران بنام زمان خود بودند. با این حال منشآت برای بازسازی نظام اداره کشور و همچنین روابط میان کشورها برای مورخ اهمیت دارند. این نامه‌ها در نوشتن زندگی نامه اشخاص و پی بردن به عادات و اخلاق حاکمان، بزرگان و مردم زمان خود از منابع مهم تاریخ محسوب می شوند. جهت آشنایی با اهمیت منشآت در حوزه ادبیات و تاریخ ذیلا به دو مورد از این آثار بطور مختصر پرداخته می شود.

التوسل الی التوسل، کتابی است حاوی منشآت بهاءالدین محمد بن موید بغدادی مثنوی علاءالدین تکش خوارزمشاه، که از نظر ادبی و تاریخی دارای اهمیت زیادی می باشد. بهاءالدین محمد از نویسندگان نامی ایران است و باید او را در زمره بزرگان شعر و ادب و نویسندگی جای داد. التوسل الی التوسل کتابی است «مشمول بر حوادث تاریخی و قسمت زیادی از عادات و اخلاق و کیفیات حالات مردم و دربار و امرا و رجال نیمه دوم قرن ششم هجری و نمونه کاملی است از بهترین نثر فنی و درباری آن زمان». (همان، ۳۷۹)

اما از بهترین نمونه‌های متاخر منشآت می توان به منشآت قائم مقام فراهانی اشاره کرد. منشآت قائم مقام از شاهکارهای نثر فارسی است که از نظر ادبی و تاریخی حایز اهمیت می باشد. ارزش ادبی منشآت قائم مقام به سبب نثر روان و شیرین، سبک سلیس و محکم، ترکیبات صحیح و ساده آن است. قائم مقام با احاطه ادبی و قدرت قلم خود بساط نثر مغلق و پیچیده بعد از مغول را که در دوره افشار و زند به نهایت ابتذال رسیده بود، برچید و نثر فارسی را در راه روانی و سادگی انداخت.

(قائم مقام، ۱۳۳۷: ۳)

اما اهمیت تاریخی نامه‌های قائم مقام از این نظر است که از خلال این نامه‌ها به وضع سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران اوائل دوره قاجاریه می‌توان پی برد؛ زیرا در این نامه‌ها اوضاع داخلی دربار فتحعلی شاه و تحریکات و دسته بندی‌های درباریان او به بهترین وجهی تشریح شده است. تصمیم‌گیری‌های ضد و نقیض شاه تحت تاثیر نظرات و مقاصد اطرافیان، تحریکات و دسته بندی‌های درباریان، قربانی شدن مصالح کشور در جهت اغراض و نیات اشخاص خائن، چیزهایی است که در منشآت قائم مقام می‌توان مشاهده نمود. (همان، ۸۱-۸۸ و ۱۰۶ و ۱۱۲ و ۱۱۳)



## نتیجه گیری

پیوند ادبیات و تاریخ در آثار بر جای مانده از تاریخ و ادب ایران آن چنان است که به سختی می‌توان برخی از متون و آثار منظوم و منثور فارسی را در قالب تاریخ و یا ادبیات تفکیک نمود. در واقع تاریخ و ادبیات در ایران در کنار هم و دوشادوش یکدیگر به پیش آمده‌اند و هر یک در غنا و تکامل و پایداری آن دیگری نقش داشته‌اند. برخی از متون تاریخی به مانند تاریخ بیهقی، جهانگشای جوینی، با آنکه به قصد تاریخ نگاری به رشته تحریر درآمده‌اند، اما خود از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌روند. از سوی دیگر شاعران و ادیبان در آثار منظوم و منثور خود به خوبی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران را منعکس نموده‌اند و بسیاری از آنان بن‌مایه‌های و موضوعات ادبی خود را از جریان‌ها و وقایع تاریخی اخذ نموده‌اند. در هم تنیدگی تاریخ و ادبیات در برخی از آثار برجای مانده از تاریخ و ادب فارسی به مانند دو روی یک سکه می‌باشد.

اما نکته پایانی این که لازمه پژوهش در هر کدام از حیطه‌های تاریخ و ادبیات ایران، مستلزم آگاهی و شناخت از هر دو حوزه می‌باشد. چرا که یک مورخ علاوه بر اینکه برای استفاده از متون تاریخی نیازمند به دانش ادبیات فارسی می‌باشد، بایستی این نکته را هم بداند که حجم عظیمی از اطلاعات در آثار ادبی که به قصد تاریخ نگاری تولید نشده‌اند، وجود دارد که می‌تواند در بازسازی تاریخ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران موثر افتد. از سوی دیگر یک پژوهشگر ادبیات هم جهت آشنایی با سیر تطور نظم و نثر فارسی و همچنین زمینه‌ها و علل این سیر تطور باید از تاریخ و گذشته این سرزمین آگاهی و شناخت کافی داشته باشد.



## پی نوشت

۱. البته باید متذکر شد که در برخی از این آثار صبغهی ادبی پر رنگ تر بوده و در مواقعی واقعیات تاریخی قربانی مولفه‌های ادبی شده است.

۲. شاهنامه را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

الف) بخش اساطیری (شاهنامه کهن): این دوره از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ادامه دارد. در این عهد از پادشاهانی مانند کیومرث، هو شنگ، تهمورث و جم شید سخن به میان می‌آید. تمدن ایرانی در این زمان تکوین می‌یابد. کشف آتش، جدا کرن آهن از سنگ و رشتن و بافتن و کشاورزی کردن و امثال آن در این دوره صورت می‌گیرد.

ب) بخش پهلوانی: بخشی که با پادشاهی لهراسپ آغاز می‌شود و بخش اساطیری را به بخش تاریخی پیوند می‌دهد. دوره پهلوانی یا حماسی از پادشاهی فریدون شروع می‌شود. ایرج، منوچهر، نوذر، گر شاسب به ترتیب به پادشاهی می‌نشینند. جنگهای میان ایران و توران آغاز می‌شود. پادشاهی کیانی مانند: کیکباد، کیکاووس، کیخسرو و سپس لهراسپ و گشتاسب روی کار می‌آیند. در این عهد دلاورانی مانند: زال، رستم، گودرز، طوس، بیژن، سهراب و امثال آنان ظهور می‌کنند.

ج) بخش تاریخی: دوره‌ای که با پادشاهی اسکندر آغاز می‌شود و با پادشاهی یزدگرد سوم پایان می‌گیرد. این دوره با ظهور بهمن آغاز می‌شود و پس از بهمن، همای و سپس داراب و دارا پسر داراب به پادشاهی می‌رسند. در این زمان اسکندر مقدونی به ایران حمله می‌کند و دارا را که همان داریوش سوم است می‌کشد و به جای او بر تخت می‌نشیند. پس از اسکندر دوره پادشاهی اشکانیان در ایاتی چند بیان می‌گردد و سپس ساسانیان روی کار می‌آیند و آن گاه حمله عرب پیش می‌آید و با شکست ایرانیان شاهنامه به پایان می‌رسد.

۳. فردی بود که به جرم دزدی در میدان سپه تهران به دار آویخته شد.





## منابع

- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰). سبک شناسی، ج ۲-۳، تهران: امیرکبیر، چ ۶.
- بیات، عزیزالله (۱۳۷۷). شناسائی منابع و مآخذ ایران، تهران: امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۲۴). تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران: بانک ملی ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۸). تاریخ بیهقی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابهای جیبی.
- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۹). دیوان حافظ (نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی)، تهران: صائب.
- زاکانی، عبید (۱۳۲۱). کلیات عبید زاکانی، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، تهران: بی نا.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، چ ۱۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۱). یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران: طهوری.
- شعار، جعفر (۱۳۷۹). گزیده سیاست نامه، تهران: قطره، چ ۶.
- شعار، جعفر و نرگس روان پور (۱۳۷۲). گزیده‌ای از سیاست نامه و قابو سنامه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چ ۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). زمینه اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۴۲). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران: ابن سینا، چ ۴.
- مشیر سلیمی، علی اکبر (۱۳۵۷). کلیات مصور میرزاده عشقی، تهران: امیرکبیر.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۵). تاریخ تیموریان و ترکمانان، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

\_\_\_\_\_ و عباس عاشوری نژاد (۱۳۸۶). تاریخ نگاری و تحولات آن در

ایران و جهان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

مینوی، مجتبی (۱۳۵۸). نقد حال، تهران: خوارزمی.

یزدی، فرخی (۱۳۶۹). دیوان فرخی یزدی، به اهتمام حسین مکی، تهران: امیرکبیر.

